

# آیت چہل—شمارہ بیست و یک: تاریخ پنهان آن

مصیبت دوم — حصہ ہشتم — حزقی ایل نمبر دو

Jeff Pippenger

2026-08-05

حزقی ایل نمایانگر کسانی است کہ شیر سبطِ یهودا برای ایشان کاری از تعلیم بہ انجام رسانیدہ است، و تعلیم بنیادین او «حکم بر حکم» است۔

ताजगी वह यही और; हो सकते दे वशिराम को मांदे-थके तुम जसिसे, है वशिराम वह यही, "कहा उसने से जनि पर आज्ञा, आज्ञा पर आज्ञा लयि उनके वचन का यहीवा परन्तु चाहा। न सुनना उन्होंने तौभी"; है को पीछे और, चलें वे ताकि, हुआ ऐसा, थोड़ा वहाँ, थोड़ा यहाँ; पंक्तिपर पंक्ति, पंक्तिपर पंक्ति; आज्ञा । 28:12, 13 यशायाह जाएँ। लयि पकड़ और, फँसे और, जाएँ टूट और, गरि

در حال حاضر، شیرِ قبیلہٗ یهودا کتابِ حزقیال را می‌گشاید۔ بہ ما گفته می‌شود کہ حزقیال در سال سیام کاهن است، خواه «سی» نمایانگر سنِ نمادین او بہ عنوان کاهن باشد، یا سال سیام در خطِ نبوی ای کہ از فصیحِ عظیمِ یوشیا آغاز شد۔ کهنوتِ نہاییِ ایامِ آخرِ همان یکصد و چہل و چہار ہزار است، و تاریخ‌های لفظی کهن، نمودارِ تاریخِ نمادینی در ایامِ آخرند۔

لیکن تم خداوند کے کابن کہلاؤ گے؛ لوگ تمہیں ہمارے خدا کے خادم کہیں گے؛ تم قوموں کی دولت کھاؤ گے، اور ان کے جلال میں فخر کرو گے۔ یسعیاہ 61:6

حزقیال نمادِ قومِ خدا در ایامِ آخرِ است—ہمان تاریخِ مقدسی کہ ہر شہادتِ نبوی آن را مشخص می‌سازد۔ آن تاریخِ مقدس، حرکتِ فرشتہٗ سومِ است، کہ بہ‌ویژہ بہ‌وسیلہٗ حرکتِ فرشتہٗ اول در سال 1840 بہ‌صورتِ نمونہٗ ارائه شد۔ حرکتِ فرشتہٗ اول، فرشتہٗ آلفای سہ فرشتہٗ بود و فرشتہٗ سوم، فرشتہٗ امگا است۔ از این‌رو، حزقیال در زمانِ مہرگذاریِ صد و چہل و چہار ہزار، با پطرس ہم‌راستا است۔ تاریخِ نمادینی کہ ہم پطرس و ہم حزقیال در آن قرار دارند، بہ‌عنوان تاریخِ پانیوم معرفی می‌شود۔

## کتابِ کوچک

حزقی ایل کتابِ صغیر را می‌گیرد، چنان کہ یوحنا نیز در مکاشفہٗ دہ گرفت۔

لیکن اے فرزندِ آدم، جو کچھ میں تجھ سے کہتا ہوں اسے سن؛ تو اس سرکش گھرانے کی مانند سرکش نہ ہو؛ اپنا منہ کھول، اور جو میں تجھے دیتا ہوں اسے کھا لے۔ اور جب میں نے نگاہ کی، تو دیکھ، ایک ہاتھ میری طرف بڑھایا گیا؛ اور دیکھو، اُس میں ایک کتاب کا طومار تھا؛ اور اُس نے اُسے میرے سامنے پھیلا دیا؛ اور وہ اندر اور باہر لکھا ہوا تھا؛ اور اُس میں نوحہ، ماتم، اور ہائے لکھا ہوا تھا۔ پھر اُس نے مجھ سے کہا، اے فرزندِ آدم، جو کچھ تجھے ملے اُسے کھا؛ اِس طومار کو کھا، اور جا کر اسرائیل کے گھرانے سے کلام کر۔ سو میں نے اپنا منہ کھولا، اور اُس نے مجھے وہ طومار کھلایا۔ اور اُس نے مجھ سے کہا، اے فرزندِ آدم، اپنے پیٹ کو کھلا اور اپنی انتڑیوں کو اِس طومار سے بھر لے جو میں تجھے دیتا ہوں۔ تب میں نے اُسے کھا لیا؛ اور وہ میرے منہ میں مٹھاس کے سبب شہد کی مانند تھا۔ حزقی ایل 2:8-10، 3:1-3۔

در مکاشفہٗ دہم، یوحنا کتابچہٗ کوچک را می‌خورد، و تمام این فصل نمایانگر تجلیِ قدرتِ خدا از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ است۔

«فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم هم صدا می‌شود، باید تمامی زمین را با جلال خویش روشن سازد. در اینجا از کاری با گستره‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. نهضت ادونتی سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۴ جلوه‌ای پر جلال از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته اول به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها عظیم‌ترین علاقه دینی پدید آمد که از زمان اصلاح دینی سده شانزدهم تاکنون در هیچ سرزمینی مشاهده نشده بود؛ اما اینها باید به وسیله جنبش عظیمی که تحت آخرین هشدار فرشته سوم برپا می‌شود، پشت سر گذاشته شوند.» جدال عظیم، ۶۱۱.

حزقی‌ایل در باب دهم مکاشفه با یوحنا همسو است؛ از این‌رو پطرس، یوحنا و حزقی‌ایل در زمان مهر شدن آن یک صد و چهل و چهار هزار، در جایگاه مقرر خویش با هم ایستاده‌اند.

از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، دوره‌ای چهار ساله را نشان می‌دهد که آغاز آن هنگامی بود که نبوت زمانی‌ای که با دوره‌ای یکصد و پنجاه ساله در ۲۷ ژوئیه ۱۲۹۹ آغاز شده بود. آن «پنج ماه» به پایان رسید و به نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز پیوست که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ خاتمه یافت، آنگاه که ظهور جلال‌مند قدرت خدا آشکار گردید تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴. سپس کاربرد زمان نبوی متوقف شد.

و به آن‌که تا ابدالآباد زنده است سوگند یاد کرد، همان که آسمان و آنچه را در آن است، و زمین و آنچه را در آن است، و دریا و آنچه را در آن است آفرید، که دیگر زمانی نخواهد بود. مکاشفه ۱۰:۶

زمان نبوتی به عنوان کاربرد معتبر نبوت در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت. حزقیال، پطرس و یوحنا هر یک نمایانگر باکرگان خردمند خدا در جنبش فرشته اول و دوم، و نیز در جنبش فرشته سوم هستند.

## رؤیاها

یازده فصل نخست حزقیال سلسله‌ای از «رؤیاها» را عرضه می‌کند، چنان‌که در آیه نخست فصل اول بیان شده است.

Y aconteció en el año treinta, en el mes cuarto, a los cinco días del mes, estando yo entre los cautivos junto al río Quebar, que los cielos se abrieron, y vi visiones de Dios.  
Ezequiel 1:1

«رؤیاهای» یازده باب نخست، ابتدا در باب اول نزد نهر خابور عطا شد؛ سپس در رؤیای باب سوم بر «دشت» بسط یافت؛ و بار دیگر در رؤیای باب هشتم در اورشلیم گسترش پیدا کرد. این سه مکان، یعنی نهر خابور، دشت و اورشلیم، نمایانگر سه رؤیا هستند که در کنار هم یک رؤیا را تشکیل می‌دهند؛ و آن همان «رؤیاها»ی آیه اول و یازده باب نخست است.

## Jubileusz

در نظر گرفتن سال سی‌ام به عنوان سی‌امین سال چرخه یوبیل که از فصیح مشهور یوشیا آغاز شد و سپس در ۲۲ اکتبر به پایان رسید، به آسانی قابل پشتیبانی است؛ زیرا آن شاخه خاص از تاریخ مقدس به گونه‌ای متمایز، سطر بر سطر، با بیش از یک شاهد به تصویر کشیده شده است. به عنوان نمونه؛ فصیح نمایانگر اعیاد بهاری است و روز کفار نمایانگر اعیاد پاییزی. از این‌رو، لایوان بیست‌وسه با چرخه یوبیلی که با یوشیا آغاز شد، هم‌راستا است. خطوط دیگری نیز وجود دارد که با تاریخی که به وسیله پادشاه یوشیا تا ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. بازنمایی شده است، هم‌راستا هستند. تحقق تاریخی یک سال یوبیل در ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. از سوی مورخان پشتیبانی می‌شود.

زمان‌شناسان عموماً با قرار دادن روز کفاره در ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. موافق‌اند، و عید فصیح عظیم یوشیا در ۶۲۲ ق.م. نیز تاریخی پذیرفته‌شده نزد آن زمان‌شناسان کتاب‌مقدسی است. فصیح، که نماد اعیاد بهاری بود، چرخه یوبیل چهل‌ونه‌ساله‌ای را آغاز کرد که در نماد اعیاد پاییزی، در روز کفاره، به پایان رسید. هفت هفته سال‌هایی که مجموعاً چهل‌ونه سال را تشکیل می‌دادند، نمادهای سبت زمین بودند.

«در هر صفحه، خواه تاریخ باشد، خواه حکم، یا نبوت، نوشته‌های عهد عتیق به جلال پسر خدا منور شده‌اند. تا آنجا که منشایی الهی داشت، تمام نظام یهودیت نبوتی فشرده از انجیل بود. به مسیح «جميع انبيا شهادت می‌دهند.» اعمال ۱۰:۴۳. از وعده‌ای که به آدم داده شد، و در امتداد سلسله انبیا و نظام شریعت، نور پر جلال آسمان گام‌های نجات‌دهنده را آشکار ساخت. غیب‌گویان ستاره بیت‌لحم را، و شیلوه آینده را، آنگاه که امور آینده در برابر ایشان در صفی رازآلود می‌گذشت، مشاهده کردند. در هر قربانی، مرگ مسیح نمایانده می‌شد. در هر ابر بخور، عدالت او صعود می‌کرد. با هر شیپور یوبیل، نام او طنین‌انداز می‌شد. در راز هراس‌انگیز قدس‌الاقداص، جلال او ساکن بود.» اشتیاق اعصار، ۲۱۱.

## هفده

صدقیا هنگامی که اورشلیم چهارده سال پیش از ۵۷۳ ق.م. سقوط کرد، به بابل برده شده بود. مورخان یهودی چرخه یوبیل را از زمان یوشیا در ۶۲۲ تا ۲۲ اکتبر ۵۷۳ به‌عنوان هفدهمین چرخه یوبیل شناسایی می‌کنند. فاصله میان نبرد رافیا و نبرد پانیوم هفده سال بود. بطلمیوس در نبرد رافیا پیروز شد، و او هفده سال به‌عنوان پادشاه جنوب سلطنت کرد. از فرمان میلان تا زمانی که کنستانتین در سال ۳۳۰ امپراتوری خود را تقسیم کرد، هفده سال بود. در هفدهمین چرخه یوبیل، اورشلیم به‌دست نبوکدنصر ویران شد.

زیرا بنی‌اسرائیل روزهای بسیار خواهند ماند بی‌پادشاه و بی‌امیر و بی‌قربانی و بی‌ستون و بی‌ایفود و بی‌ترافیم. پس از آن، بنی‌اسرائیل بازگشت خواهند کرد و یهوه، خدای خویش، و داود، پادشاه خود را خواهند طلبید؛ و در ایام آخر، با ترس، نزد یهوه و نیکویی او خواهند آمد. هوشع ۵، ۳:۴

هوشع در حال پرداختن به موضوعی است که ارتباطی مستقیم با اسارت صدقیا دارد، هرچند همچنین آغاز اسارت پادشاهی شمالی را در سال 723 ق.م. نمایان می‌سازد. سبب پیوند این بخش از هوشع با شهادت حزقیال به رد خدا بازمی‌گردد، آنگاه که اسرائیل بر داشتن پادشاهی انسانی اصرار ورزید. میل اسرائیل به آنکه به‌جای پادشاهی الهی، تحت حکومت پادشاهی انسانی باشد، در دآوری «هفت بار» در لاویان 26 به‌صورت «غرور قدرت شما» بازنمایی شده است.

و اگر با وجود همه اینها باز هم به من گوش فرا ندهید، آنگاه شما را به سبب گناهانتان هفت چندان بیشتر مجازات خواهم کرد. و غرور قدرت شما را درهم خواهم شکست؛ و آسمان شما را چون آهن، و زمین شما را چون برنج خواهم ساخت. لاویان 26:18، 19.

जाए हो समान के संसार वह कहै करता प्रतनिधित्व का इच्छा उस की इस्राएल" घमण्ड का शक्तिमुहारी" में पूर्व ईसा 586 फरि और, जाना हटाय़ा का राजा से राज्य उत्तरी में पूर्व ईसा 723 हो। राजा अपना उसका और प्रतनिधित्व का जाने टूट के" घमण्ड "के इस्राएल प्राचीन, बन्धुआई की सदिकय़्याह राजा के राज्य दक्षिणी, है होती राज्य या राजा एक" शक्ति"में भवषियद्वाणी बाइबिलीय है। होता घमण्ड पहले से पतन और; है करते को असवीकार के राजा दव्य और ईशतंत्र घमण्ड का इस्राएल में करने सुरक्षति को राजा मानवीय एक और है। करता चहिनति

اور یوں ہوا کہ جب سموئیل بوڑھا ہو گیا تو اُس نے اپنے بیٹوں کو اسرائیل پر قاضی مقرر کیا۔ اور اُس کے پہلوٹھے کا نام یوایل تھا، اور دوسرے کا نام ابیاء؛ وہ بیرسبع میں قاضی تھے۔ لیکن اُس کے بیٹے اُس کی راہوں پر نہ چلے بلکہ نفع ناروا کی طرف مائل ہوئے، اور رشوت لی، اور انصاف کو بگاڑ دیا۔ تب اسرائیل کے سب بزرگ جمع ہو کر رامہ میں سموئیل کے پاس آئے، اور اُس سے کہنے لگے، دیکھ، تو بوڑھا ہو گیا ہے، اور تیرے بیٹے تیری راہوں پر نہیں چلتے؛ پس اب ہمارے لیے ایک بادشاہ مقرر کر دے کہ وہ سب قوموں کی مانند ہماری عدالت کرے۔ لیکن یہ بات سموئیل کو ناپسند گزری، جب اُنہوں نے کہا، ہمیں ایک بادشاہ دے کہ وہ ہماری عدالت کرے۔ اور سموئیل نے خداوند سے دعا کی۔ اور خداوند نے سموئیل سے کہا، جو کچھ یہ لوگ تجھ سے کہتے ہیں اُس سب میں اُن کی بات مان لے؛ کیونکہ اُنہوں نے تجھے نہیں رد کیا، بلکہ مجھ رد کیا ہے تاکہ میں اُن پر بادشاہی نہ کروں۔ اُن سب کاموں کے مطابق جو اُس دن ہے، جب میں اُنہیں مصر سے نکال لایا، آج کے دن تک وہ کرتے آئے ہیں، کہ اُنہوں نے مجھے ترک کیا اور دوسرے معبودوں کی عبادت کی، ویسا ہی وہ تیرے ساتھ بھی کرتے ہیں۔ سو اب تو اُن کی بات مان لے؛ تو بھی اُنہیں خوب جتا دے، اور اُن پر بادشاہی کرنے والے بادشاہ کا دستور اُنہیں بتا دے۔ 1 سموئیل 8:1-9۔

قابل غور بات یہ ہے کہ اُس موقع پر اسرائیل نے نہ صرف خدا کو اپنے بادشاہ کے طور پر رد کیا، بلکہ روح نبوت کو بھی، جو سموئیل کے ذریعے ممثل تھی، کیونکہ لکھا ہے، "اُنہوں نے مجھ ترک کر دیا ہے اور دوسرے معبودوں کی عبادت کی ہے، اسی طرح وہ تیرے ساتھ بھی کرتے ہیں۔"

«شیطان است... پیوستہ امر جعلی را پیش می‌نهد تا مردم را از حقیقت منحرف سازد. واپسین فریب شیطان این خواهد بود کہ شهادت روح خدا را بی‌اثر گرداند. «جایی کہ رؤیا نیست، قوم ہلاک می‌شود» (امثال 29:18). شیطان با زیرکی، بہ شیوہ‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف، عمل خواهد کرد تا اعتماد قوم بازماندہ خدا را بہ شهادت راستین متزلزل سازد.»

«نسبت بہ شہادت‌ہا نفرتی افروختہ خواهد شد کہ شیطانی است. عملکردهای شیطان چنین خواهد بود کہ ایمان کلیساہا را بہ آن‌ہا متزلزل سازد، و دلیل این امر چنین است: اگر ہشدارہا و توبیخ‌ہا و اندرزهای روح خدا مورد اعتنا قرار گیرند، شیطان نمی‌تواند چنین راہی ہموار و آشکار برای وارد ساختن فریب‌های خود و در بند کشیدن جان‌ہا در گمراہی‌های خویش داشتہ باشد.»  
Selected Messages, book 1, 48

فریب نہایی برای خداسالاری اسرائیل باستان، رد کردن نہ تنها خدا، بلکہ نیز روح نبوت بود. آن رد در سال ۱۰۹۷ پیش از میلاد، فریب نہایی ادونتیسیم لاودیکہ‌ای روز ہفتم را در سال ۱۸۶۳ نمونہ‌وار می‌سازد. «ہفت زمان» لاویان بیست‌وشش کلام خداست، و روح نبوت دربارہ «ہفت زمان» می‌گوید کہ آن «نہاید تغییر دادہ شود.»

visto que el cuadro de 1843 fue dirigido por la mano del Señor, y que no debía ser 74» alterado; que las cifras eran como Él quería que fuesen; que Su mano estaba sobre él y ocultó un error en algunas de las cifras, de modo que nadie pudiera verlo, hasta que Su mano fue quitada». Primeros Escritos, 74»

روح نبوت بہ وضوح «ہفت زمان» را تأیید کرد، و تأیید او ہشدار بود مبنی بر اینکہ اعداد روی نمودار تغییر دادہ نشوند؛ نموداری کہ «ہفت زمان» در آن ستون میانی و گوشہ بالای سمت راست را تشکیل می‌دہد. با نمودار جعلی اوریا اسمیت در سال 1863، رد تدریجی حقایق بنیادی—کہ بہ وسیلہ اسرائیل باستان در رد خدا نمونہ سازی شدہ بود—آغاز شد، و روح نبوت شورش سال 1863 را مشخص ساخت. تاریخ شورش 1863 با خط نبوتی مطرح شدہ در کتاب حزقیال ہم‌راستا است. در آن خط تاریخی، نتیجہ، ویرانی اورشلیم بود کہ نمونہ‌ای از قانون یک شنبہ بہ شمار می‌آمد. فاصلہ 1863 تا قانون یک شنبہ کہ بہ زودی خواہد آمد، بہ وسیلہ تاریخ شاہ شاول در 1097 ق.م. تا صدقیا در 586

ق.م. نمونه‌سازی شده بود.

صِدْقِيَّا به بابل به اسارت برده شد، چهارده سال پیش از یوبیل ۵۷۳ ق.م. هفدهمین چرخه یوبیل در ۶۲۲ ق.م آغاز شد، و در سال سی‌ام، حزقیال در ۵۹۱ ق.م به‌عنوان کاهن مطرح می‌گردد؛ سپس پنج سال بعد، اورشلیم در ۵۸۶ ق.م ویران شد. این شهر در همان روز از سال ویران گردید که بار دوم در سال ۷۰ م. به‌دست تیتوس ویران شد. آیه نخست حزقیال باب اول، پنج سال پیش از ویرانی اورشلیم و نوزده سال پیش از رؤیای معبد در باب چهارم قرار دارد.

در سال بیست‌وپنجم اسیری ما، در ابتدای سال، در روز دهم ماه، در سال چهاردهم پس از آنکه شهر زده شد، در همان روز، دست خداوند بر من بود و مرا به آنجا برد. حزقیال ۴۰:۱.

از آن‌جا که نسبت به عهد سبت زمین نافرمانی شد، خداوند مقرر داشت که «هفت زمان» لعنت نافرمانی نسبت به سال هفتم باشد، که همان سبت زمین است. «زمان» یک سال است، و «سال» سیصد و شصت روز است، و هفت ضرب در سیصد و شصت برابر است با دو هزار و پانصد و بیست سال. ممکن است میلی‌ها تعبیر «بیست‌وپنج‌بیست» را به کار نبرده باشند، اما هر دو نمودار مقدس ایشان از نظر عددی همان دو هزار و پانصد و بیست سال را نشان می‌داد.

اعلان لعنت «هفت زمان» بر هر دو پادشاهی شمالی اسرائیل و پادشاهی جنوبی یهودا، نخستین فهم، یا به تعبیری «بنیادین»، و حتی می‌توان گفت فهم «آلفا» ی ویلیام میلر بود. در سال ۱۸۶۳، کلیسای لائودیکه‌ای ادونتیست روز هفتم، فهم بنیادین اکتشافات میلر را رد کرد؛ «اکتشافاتی» که تمام بنیاد جنبش میلری را نمایندگی می‌کردند. الهام مستقیماً هشدار داده بود که ممکن است چنین اتفاقی رخ دهد، و چنین نیز شده است، و این رخداد زمان درازی پیش به وقوع پیوسته است.

بنیاد هیکل که پس از اسارت بابل بازسازی شد، در جریان تاریخ فرمان نخست تکمیل گردید و پیش از فرمان دوم بود. هیکل در تاریخ فرمان دوم به‌طور کامل بنا شد. در فرمان سوم، حاکمیت ملی به اسرائیل باستان حقیقی اعاده گردید. ویلیام میلر نماینده فرشته اول بود که در سال ۱۷۹۸ رسید و در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ قوت یافت. فرشته دوم پس از آنکه بنیادها نهاده شد، رسید؛ چنان‌که در نمودار ۱۸۴۳ که در ماه مه ۱۸۴۲ منتشر شد، به تصویر کشیده شده است. در نخستین یأس ۱۸۴۴، یأس آلفای ۱۸۴۴، فرشته دوم و نیز وقت تأخیر در مثل باکره‌ها پدیدار شدند، و هنگامی که پیام فرشته دوم در اجتماع اردویی اکستر قوت یافت، هیکل تکمیل شد. سپس در یأس عظیم، یا اُم‌گای ۱۸۴۴، رسول عهد ناگهان به هیکل خویش آمد، در تحقق دو هزار و سیصد سالی که از فرمان سوم آغاز شد و با رسیدن فرشته سوم پایان یافت.

یوشیا به معنای «بنیاد خدا» است. خواه پادشاه یوشیا باشد و خواه یوشیا لیچ، هر دو نماد بنیادها هستند؛ چنان‌که در تاریخ فرمان نخست نمایان شده‌اند و نیز چنان‌که به‌وسیله اعیاد بهاری که در بیست‌ودو آیه نخست لاویان بیست‌وسه بیان گردیده‌اند، به تصویر کشیده شده‌اند. بنیادها، اعیاد بهاری، و فرمان نخست، همگی نمادهای سال ۱۸۴۰ و توانمندسازی فرشته اول هستند. ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م، چنان‌که در حزقیال باب چهل، آیه یک آمده است، نمادی از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ و گشایش داوری مردگان است، و نیز نمادی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در هنگام گشایش داوری زندگان. هر که این مقالات را دنبال کرده باشد، باید کاربردهایی را که من به کار می‌برم بداند.

حزقیال در تاریخ نبوی‌ای که در نوشته‌های او بازنمایی شده است، نمادی به‌شمار می‌آید. حزقیال در آنجا حاضر است، آنگاه که آن بیست‌وپنج مرد در پایان فصل هشتم در برابر خورشید سجده می‌کنند. او همچنین در فصل‌های بعدی نیز حاضر بود، هنگامی که «مهرگذاری‌ای که در پی آن کشتار می‌آید» بر اورشلیم واقع می‌شود؛ اورشلیمی که الن وایت آن را کلیسای ادونتیست روز هفتم معرفی می‌کند.

در یازده فصل نخست، حزقیال به حرم آسمانی آورده می‌شود تا دستورهای خود را دریافت کند؛ همان‌گونه که میلری‌ها در سال ۱۸۴۴ بدان فراخوانده شدند، و همان‌گونه که اکنون این جنبش نیز بدان فراخوانده می‌شود.

پس حزقیال برای شما نشانه‌ای است؛ مطابق هر آنچه او انجام داده است، شما نیز انجام خواهید داد؛ و چون این واقع شود، خواهید دانست که من یهوه خداوند هستم. حزقیال ۲۴:۲۴.

### **چون این واقع شود**

وقتی در ایام آخر به آن نقطه برسیم که اموری که حزقیال به تصویر کشید در میان قوم خدا تکرار می‌شود، آنگاه به نشان حزقیال رسیده‌ایم. هنگامی که بدانید حزقیال نمایانگر صد و چهل و چهار هزار است، و این را در مرتبه‌ای از ایمان و فهم بدانید که واجد انتظار تقدیس‌شده‌ای باشد مبنی بر اینکه هر آنچه حزقیال در نوشته‌های خود به تصویر کشیده است، نمونه‌ای از توالی مقدس رویدادها در ایام آخر است که صد و چهل و چهار هزار را دربرمی‌گیرد—وقتی این را بدانید، آنگاه «خواهید دانست» که «خداوند» «خدا» است.

ما این اندیشه‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.